

تحقیقات نشان می‌دهد که خستگی راننده یکی از عوامل مؤثر در بیش از ۲۰ درصد تصادفات جاده‌ای و بیش از یک چهارم تصادفات کشنده و جدی است.



تفاوت امدادگران با سایر افراد: **مقاوم تر، سرسخت تر و انعطاف پذیر تر**

سمیه حقگو معتقد است: بیشتر افرادی که در گروه‌های امداد حضور می‌یابند زندگی در شرایط سخت را تجربه کرده‌اند. «افرادی که در این گروه‌ها هستند مقاوم تر، سرسخت تر و در عین حال انعطاف پذیر تر هستند. ما یک هفته پس از وقوع زلزله در قالب تیم حمایت روانی سحر به مناطق زلزله زده رفتیم. ۱۲ روز آنجا بودیم. باز خورد حضور ما به حدی خوب بود که وقتی مردم خودرو ما را می‌دیدند هیجان زده و خوشحال می‌شدند و به سمت ما می‌آمدند.»

**گپ و گفت**

گفت و گو با مدیر عامل جمعیت هلال احمر سیستان و بلوچستان

**۴۰ میلیون تومان هزینه یک مجتمع دانش آموزی**



«محمدرسلول راشکی» مدیرعامل جمعیت هلال احمر سیستان و بلوچستان، عملکرد بیش از ۶۰ درصد دانش آموزان مجتمع دانش آموزی این استان را موفقیت آمیز بیان می‌کند و می‌گوید: «امروز بیشتر دانش آموزان مجتمع‌های بهترین دانشگاه‌های کشور در حال تحصیل هستند. این تنها به دلیل برنامه ریزی‌های آموزشی است که در کنار تحصیل برای این دانش آموزان انجام می‌شود.» راشکی با بیان اینکه جنس فعالیت‌های مجتمع دانش آموزی مردمی است، می‌افزاید: «مشارکت مردم در توسعه فعالیت‌های مجتمع‌های دانش آموزی بسیار تاثیر گذار بوده است، به طوری که هر سال تحصیلی برای هر کدام از مجتمع‌های دانش آموزی بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون هزینه می‌شود. بخشی از هزینه امور جوانان را جمعیت هلال احمر پرداخت می‌کند و بخش دیگر توسط خیرین اهداء می‌شود. اما کمک خیرین تنها در عرصه پرداخت‌های نقدی نیست، افراد تحصیل کرده در شهرستان‌ها ساعت‌های مختلف برای آموزش این دانش آموزان به مجتمع‌ها مراجعه می‌کنند. قابل توجه است که تمام عرصه‌های کمک به این دانش آموزان توسط داوطلبان جمعیت هلال احمر انجام می‌گیرد و این بسیار ارزشمند است.»

گفت و گو با مسئول مجتمع دانش آموزی اندیشه امدادگر سراوان

**فرهنگ در اولویت**



مجتمع دانش آموزی اندیشه امدادگر شهرستان سراوان یکی از مراکز فعال جمعیت هلال احمر در زمینه حمایت از دانش آموزان مناطق محروم محسوب می‌شود. «علی فخرچی» مسئول مجتمع دانش آموزی اندیشه امدادگر شهرستان سراوان، درباره وضعیت دانش آموزان این مجتمع می‌گوید: «تمام دانش آموزانی که در این مجتمع دانش آموزی تحصیل می‌کنند، از نواختن سازی در روستاهای مرزی هستند. بیشترین دغدغه این دانش آموزان مطالعه و پیشرفت تحصیلی است و یک محیط آرام برای درس خواندن نیاز دارند. این شرایط را با تمام توان فراهم می‌کنیم. به همین دلیل هم ۹۰ درصد دانش آموزان فارغ‌التحصیل از این مجتمع در جایگاه‌های علمی مطرحی قرار گرفته‌اند.»

فخرچی با بیان اینکه بسیاری از دانش آموزان بعد از فارغ‌التحصیلی در بهترین دانشگاه‌های کشور مجدداً به مجتمع برمی‌گردند و داوطلبانه به ارتقای درسی دانش آموزان کمک می‌کنند، می‌افزاید: «فعالیت‌های کارشناسی شده مجتمع سراوان همبستگی را با انجام برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در بین دانش آموزان افزایش می‌دهد. این برنامه‌ها در موضوعات فرهنگی و هنر برای دور کردن دانش آموزان از یکنواختی انجام می‌گیرد. مسابقات ورزشی و کتابخوانی، کلاس‌های قرآنی و خوشنویسی و اردوهای تفریحی از جمله این برنامه‌هاست.»



**گزارشی از مجتمع دانش آموزی جمعیت هلال احمر در استان سیستان و بلوچستان**

**آشیانه‌ای برای پرواز**



برایشان وجود ندارد. مجتمع دانش آموزی جمعیت هلال احمر که در کل کشور در این زمینه فعالیت می‌کند دستاوردهای بسیاری را به ارمغان آورده است. یکی از این مجتمع‌ها در شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان فعال است. دانش آموزان طی سال تحصیلی در این مجتمع‌ها زندگی و در کنار تحصیل، دوره‌های آموزش‌های امداد را هم سپری می‌کنند.

درسخوان بر ایمان بیشتر توضیح می‌دهد: «اینجا خانه ماست. پر پرواز مالینجاشکل می‌گیرد. باور کنید اگر اینجا نبود بزرگترین استعدادها که در این مجتمع‌ها در شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان فعال است. این، جای شکر دارد. البته باید در کنار شکر، تا سر حد توان تلاش هم کرد. این را همیشه مادرم می‌گوید.»

علی جواهری | عملیات امداد و نجات تنها فعالیت جمعیت هلال احمر نیست. بلکه هر جا انسانی به کمک نیاز داشته باشد امدادگران شتابان به یاری‌اش می‌روند. هلال احمر یک سازمان بشر دوستانه است. امدادگران همه جا حضور دارند. در این گزارش به حکایت‌هایی از حمایت هلال احمر از افرادی پرداخته‌ایم که با وجود استعداد و مهارت به علت شرایط زندگی در نقاط محروم و دور افتاده، امکان تحصیل

مجتمع دانش آموزی در کشور فعالیت می‌کند که در استان‌های گیلان، خراسان جنوبی، کرمان و چهارمحال و بختیاری واقع شده‌اند.

مجتمع دانش آموزی در استان سیستان و بلوچستان به دانش آموزان خدمات‌رسانی می‌کند.

دانش آموز در مجتمع دانش آموزی سراوان از خدمات رفاهی‌اش بهره‌مند می‌شوند.

کنیم. سرساختمان کارگری می‌کردیم. برادر من چون از استعداد من خبر داشت به همین دلیل بیشتر وقت‌ها جای من کار می‌کرد تا چند ساعت به درس‌هایم برسم. آن وقت با اینکه در اوج خستگی بودم ولی ذوق به درس خواندن مرا سر حال می‌آورد. دوره‌های دبستان و راهنمایی را به این ترتیب گذراندم تا اینکه برادرم گفت: می‌تونم خانواده‌ها را از این به بعد تهنایی حمایت کنم. تو برو به درست برس.» او خدا را شکر می‌کند که راه مجتمع هلال احمر را توسط یک آدم خیر به او نشان داد. «اینجا خیلی مراجلو بود. امیدوارم بتوانم روزی جبران کنم. چیزی تا دانشگاه نمانده. هدفم این است که پزشکی شوم و می‌شوم. این عهد را با خودم بسته‌ام که بعد از اتمام تحصیل در شهر خودم با لباس امدادگر هلال احمر خدمت کنم.» باسلام به حیاط مجتمع می‌رویم. در حیاط، ساختمان نیمه‌کاره‌ای قرار دارد که به گفته مسئولان مجتمع برای توسعه فضای در نظر گرفته‌اند. کمی آن طرفتر گروهی از دانش آموزان زیر نخلی نشستند و در حال مرور درس‌هایشان برای امتحان هستند.

**وقتی مسیر زندگی عوض می‌شود**  
طبقه دوم خوابگاه کتابخانه قرار دارد فضای کتابخانه با میزهای تحریر چوبی و دانش‌آموزانی با لباس بلوچی که در حال مطالعه هستند جلوه متفاوت تری را به نمایش می‌گذارد. دانش‌آموزان آنقدر محو مطالب کتاب‌هایشان شده‌اند که گویی در دریای اندیشه‌ها غرق هستند. وقتی به سراغ سهراب، یکی از دانش‌آموزانی که مصداق واقعی این جملات است می‌رویم با حس حضورمان از جامی می‌پرد. اما ترسش را با لبخند دلنشین در چهره سبزه‌اش پنهان می‌کند و می‌گوید: «چه می‌شود کرد؟ عشق ما کتاب است و کتاب.» سهراب هم مثل همه بچه‌های مجتمع از یکی از روستاهای مرزی آمده است. او درباره محل زندگی‌اش توضیح می‌دهد: «فاصله روستایمان جاک که در نقطه صفر مرزی قرار دارد حدود ۱۷۰ کیلومتر است. آنجا تا چشم کار می‌کند بیابان است و بیابان مردم دامپروری و قاچاق‌زندگان را می‌گذرانند. آنجا هیچ امکاناتی وجود ندارد. فقط در ۶ ماه از سال معلمی می‌آید و درس مختصری می‌دهد و می‌رود. خودم با کتاب‌هایی که داشتم و پرس و جو از این و آن درس خوانده‌ام.» سهراب که در رشته علوم انسانی درس می‌خواند و معدلش ۱۸ است می‌افزاید: «یکی از امدادگران جمعیت هلال احمر متوجه استعدادم در درس خواندن شد و آنقدر با پدر و مادرم صحبت کرد تا بالاخره ضایع آن‌ها را گرفت و من به اینجا آمدم. پدرم سال‌هاست زمین‌گیر شده است و واپسرو و دختر دارد. پسر در قوم محکم طلار دارد. چون می‌تواند کار کند و کمک خرج خانواده باشد. نمی‌دانم آن امدادگر پدرم را چگونه متقاعد کرد. اما سبب مسیر زندگی‌ام شد.» می‌توان در چشم‌های همچون کویر سهراب اشتیاق ادامه مطالعه را دید. به همین دلیل صحبت‌هایمان را پایان می‌دهیم.  
در ساختمان اداری مجتمع کلاس‌های گروهی برای جمعی از دانش‌آموزان برپاست. آنان مشغول آموختن دوره‌های امداد و نجات هستند. دانش‌آموزان در اینجا روزهایی روشنی را برای خود می‌آفرینند.

**ارزو هادست بافتنی است**  
فضای اتاق سلمان و دوستانش با تسبیح‌خرمایی که می‌گوید مادرش برایش درست کرده و حصیرهای دستبافت بلوچی تزئین شده است. جانماز روی طاقچه و قرآن جیبی رویش و کتاب‌هایی که صفحاتش از ورق خوردن خسته‌اند نشان از کل کاری دارد که در تمام مدت دانش‌آموزان در اتاق انجام می‌دهند. سلمان در رشته علوم تجربی درس می‌خواند و معدلش تنها چند صدم با ۲۰ فاصله دارد. او در حالی که دست‌های پینه‌بسته‌اش را که حاصل کارگری در ساختمان است نشان می‌دهد درباره سختی‌هایی که تا به امروز برای درس خواندن کشیده است می‌گوید: «آدم‌ها در زندگی به جایی می‌رسند که پایان دنیا است. اما من و امثال من به اینجا نرسیده‌ایم بلکه در آن به دنیا آمده‌ایم. پدرم بچگی پدرم فوت کرد و مادرم باید برای سیر کردن شکم من و ۸ برادرم به هر دری می‌زد. ولی باز نمی‌توانست آنطور که باید و شاید مخارج ما را تأمین کند. به همین دلیل من و برادر بزرگترم برای اینکه کمکش

**اینجا خانه ماست**  
اینجا سرزمین رستم و سهراب است. جایی که خورشید ایران ابتدا در آن طلوع می‌کند و کویر همچون مادری مهربان گرما را به مردمانش بخشیده است. وقتی قامت درختان را بر توهای خورشید طلایی می‌کند کار و تلاش شروع می‌شود. در میان نخلستان از دور دست‌ها صدای هیاهو و خنده بچه‌ها به گوش می‌رسد که در زمین خاکی با یک توپ پلاستیکی بازی و عده‌ای از دوستانشان آن‌ها را تشویق می‌کنند. در میان زمین داور آتیم را به وسط میدان می‌خواند. همه بچه‌های آتیم جمع شده‌اند. داور برای مشخص شدن وضعیت توپ و زمین، سکه‌اش را به هوا پرتاب می‌کند. سکه نقره‌ای در آسمان چرخ می‌خورد و دوری دست‌دواری دست داور قرار می‌گیرد.

باسوت داور بازی شروع می‌شود. بازیکنان آتیم نفس زنان دنبال توپ می‌دوند و برای گل زدن عرق می‌ریزند. اشتباه نکنید اینجا مسابقات فوتسال در سیستان و بلوچستان نیست؛ بلکه مجتمع دانش آموزی جمعیت هلال احمر شهرستان سراوان است. زمان ورزش که تمام می‌شود بچه‌ها به طرف مجتمع می‌روند. در ساختمان ۲ طبقه سیمانی میان نخل‌های سر به فلک کشیده، حال و هوای دلنشینی از سادگی بچه‌های روستایی مرز نشین را به ذهن متبادر می‌کند. ساختمانی که اتاق‌هایش با تخت‌های ۲ طبقه و کتاب‌های دانش‌آموزانش معنا پیدا کرده است. اما این مجتمع تعبیرهای دیگری هم دارد که سلمان بچه

